

این مطلب مورد توجه میرزای قمی است:

«و موضع النزاع ما إذا كان الوحدة بالشخص لكن مع تعدد الجهة.
و أمّا الواحد بالشخص الذى لم يتعدّد الجهة فيه، بأن يكون موردا لهما من جهة واحدة، فهو ممّا لا نزاع فى عدم جوازه إلّا عند بعض من يجوز التكليف بالمحال، و ربّما منعه بعضهم تمسّكا بأنّ هذا التكليف محال، لا أنّه تكليف بالمحال. و لعلّه نظر الى كون الأمر و الطلب مسبوقا بالإرادة و اجتماع إرادة الفعل و الترك محال.
و أمّا الواحد بالجنس فهو أيضا ممّا لا نزاع فى جواز الاجتماع فيه بالنسبة الى أنواعه و أفراده، كالسجود لله تعالى، و للشمس و القمر، و إن منعه بعض المعتزلة أيضا نظرا الى جعل الحسن و القبح من مقتضيات الماهية الجنسية و هو فى غاية الضعف. و كما أنّ المخالف الأوّل أفرط، فهذا قد فرط»^۱

ما می گوئیم:

برخی از بزرگان نوشته اند که علت اینکه بین امر و نهی تضاد است، به سبب نفس حکم نیست (چرا که این دو حکم، اعتبار عقلایی هستند و می تواند یک فرد دو اعتبار را هم زمان داشته باشد)، بلکه تضاد یا از جهت ملاک است که نمی تواند یک شیء هم ملاک وجوب و هم صحت را و هم ملاک حرمت و مفسده را، در زمان واحد داشته باشد، و یا از این جهت است که اگر یک شیء هم واجب باشد و هم حرام، امتثال امر و نهی هم زمان ممکن نیست.

کسانی که قائل به امتناع هستند، جمع بین این دو ملاک را نپذیرفته اند و همچنین مشکل جمع بین فعل و ترک را جدی می دانند و کسانی که به جواز اجتماع قائل شده اند، جمع این ملاک ها را در ما نحن فيه پذیرفته اند و همچنین مشکل جمع بین فعل و ترک را پاسخ داده اند.^۲

۱. القوانين المحكمة فى الأصول، ج ۱، ص ۳۲۱

۲. المباحث الاصولی (فیاض)، ج ۵، ص ۲۹۲



کلام امام خمینی:

حضرت امام در مناهج، بر مرحوم آخوند اشکال کرده است و می فرماید محل نزاع، واحد شخصی است و اصلاً واحد جنسی محل نزاع نیست:

«محطّ البحث فی الباب هو أنه هل يجوز تعلّق الأمر و النهی بعنوانین متصادقین علی واحد؟ فحینئذ یكون المراد بالواحد هو الواحد الشخصیّ، لأنّه الذی تتصادق علیه العناوین، و أمّا الواحد الجنسی فلا تتصادق علیه، بل یكون جنسا لها، مع أنّ النزاع فی الواحد الجنسی - مع قطع النّظر عن التصادق علی الواحد الشخصیّ - ممّا لا معنی له، ضرورة أنّ الحركة فی ضمن الصلاة یمكن أن یتعلّق بها الأمر، و فی ضمن الغصب أن یتعلّق بها النهی مع قطع النّظر عن تصادقهما خارجاً علی الواحد الشخصیّ، و معه یكون محطّ البحث هو ما ذکرنا، لأنّه المنشأ لقول الامتناعی.»^۱

توضیح:

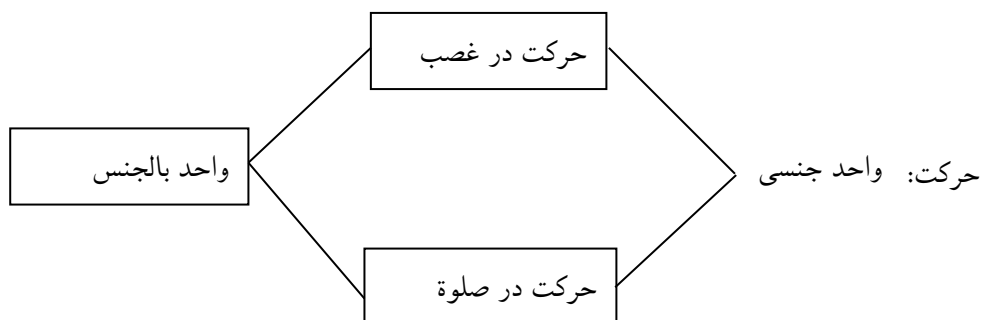
۱. بحث در آن است که آیا جایز است که امر و نهی به دو عنوان تعلق گرفته باشد در حالیکه این دو عنوان دارای مصداق واحدی هستند؟
۲. و لذا مراد از واحد در «المتصادقین علی واحد»، واحد شخصی است. چراکه اولاً واحد شخصی است که می تواند مصداق دو عنوان مختلف باشد.
۳. ولی واحد جنسی نمی تواند مصداق دو عنوان مختلف باشد. بلکه واحد جنسی برای عنوان ها، جنس است.
۴. و ثانیاً اگر بخواهد واحد جنسی محل نزاع باشد، باید بگوییم حرکت که در ضمن صلوة است متعلق امر است و حرکت که در ضمن غصب است، مورد نهی است [اگر چه گاه در خارج یک حرکت هم در ضمن صلوة واقع می شود و هم در ضمن غصب]، و این مشکله ای را با خود ندارد.
۵. پس محل بحث، واحد شخصی است و همین هم باعث شده است که اصولیون قائل به امتناع شوند.

^۱ . مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۰۹

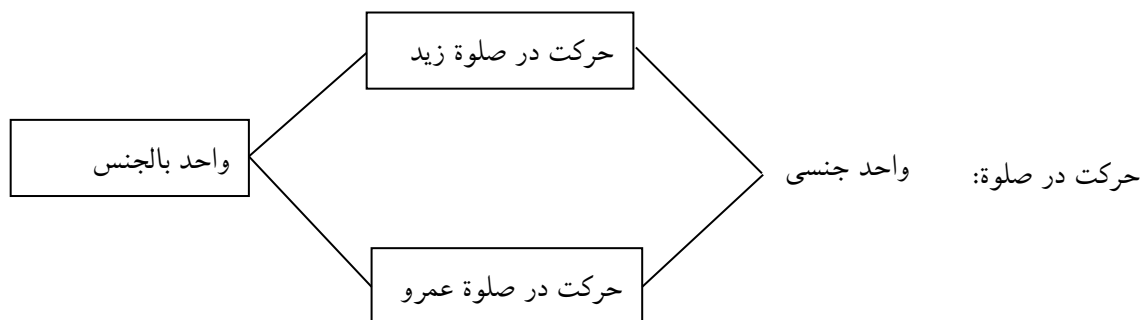


ما می‌گوییم:

۱. لازم است به یک مثال توجه کنیم یا بهتر به فهم کلام مورد امام رهنمون شویم:



اما همین حرکت در صلوة، یک واحد جنسی است برای افراد صلوة



حال:

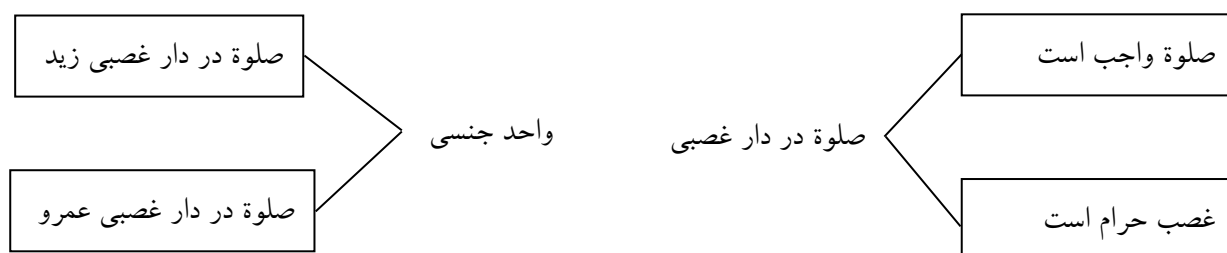
۱. اگر بگوییم حرکت در غصب حرام است و حرکت در صلوة واجب است، اینجا این دو حرکت، واحد بالجنس هستند، در حالیکه حرکت در صلوة خود یک واحد جنسی است برای صلوة های زید و عمرو و ...
۲. واحد شخصی هم یعنی یک امر متشخص و موجود در عالم خارج مثل «حرکت زید در روز جمعه و ساعت معین در دار غضبی عمرو»
۳. ما حصل فرمایش امام آن است که «واحد جنسی» چون جنس است برای افراد متعدد می تواند به جهت اینکه در ضمن نوع اول است، مورد امر باشد و به جهت اینکه در ضمن نوع دوم است مورد نهی باشد. و



این هیچ اشکالی ندارد. (اگر چه ممکن است نوع اول و نوع دوم، در شرائطی خاص، به یک وجود موجود شوند)

۴. ما می‌گوییم: آنچه امام به عنوان واحد جنسی تصویر کرده‌اند، ظاهراً «واحد بالجنس» است. چرا که حرکتی که در ضمن صلوة است و حرکتی که در ضمن غضب است، واحد بالجنس هستند و نه «واحد جنسی».

برای تصویر «اجتماع امر و نهی در واحد جنسی» می‌توان چنین مثال زد: «اگر شارع بگوید صلوة واجب است و بگوید غضب حرام است». در این صورت «صلوة در دار غضبی» یک جنس (یا یک نوع) است و لذا واحد جنسی و نوعی است که افراد متعدد دارد. و در عین حال هم مورد امر است و هم مورد نهی.



۵. روشن است که با توجه به آنچه گفتیم، جریان نزاع در واحد جنسی و واحد نوعی هم قابل فرض است.

